

بازتاب حکمرانی خوب در سیرالملوک خواجه نظام الملک طوسی

شهرام حمدوی^۲
کریم کیاکجوری^۳
سیده زهرا صابری نیکو^۴

چکیده

ویژگی‌های حکمرانی مناسب برای هر منطقه، باید به صورت بومی تعریف شود تا مؤثر و کارآمد باشد. بنابراین، با رویکردی تاریخی و بومی و با توجه به اقدامات افراد مشهور به منظور اداری یک کشور، هدف از این مطالعه، بازتاب حکمرانی خوب مبتنی بر نظرات خواجه نظام الملک طوسی بود. در این راستا، مطالعه‌ی حاضر به روش ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد. در بخش کیفی، متن سیرالملوک به صورت باز، محوری و انتخابی مبتنی بر رویکرد استقرایی و تحلیل محتوا کدگذاری شد و سپس ابعاد و ویژگی‌های حکمرانی خواجه نظام الملک مشخص گردید. در بخش کمی، میزان تکرار کدهای محوری در متن تعیین شد. سرانجام، مدل حکمرانی خوب خواجه نظام الملک در قالب ابعاد سیاسی، نظامی، اداری، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی معرفی شد و سپس، الگوی شناسایی شده با روشی قیاسی با سایر مدل‌های حکمرانی خوب مقایسه و مورد بحث قرار گرفت. همچنین باید اشاره کرد که در نگاه اول، شباهت‌های بسیاری بین الگوی خواجه نظام الملک با سایر الگوهای حکمرانی خوب مشاهده می‌شود، اما پس از بررسی جوانب مختلف و قیاس آنها مشخص شد که شباهت‌ها، سطحی و در شکل مفاهیم است و مفاهیم، تفاوت‌های ذاتی دارند. در نهایت اینکه پژوهش حاضر در ارائه‌ی ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه خواجه نظام الملک و مقایسه‌ی آن با سایر مدل‌های حکمرانی خوب، پژوهشی نوآورانه محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، سیرالملوک، خواجه نظام الملک طوسی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، واحد بندر انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر انزلی، ایران
hamdavishahram@gmail.com

۳. استادیار گروه مدیریت، واحد بندر انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر انزلی، ایران (نویسنده مسئول)
karim_kia@ut.ac.ir

۴. استادیار گروه ادبیات، واحد بندر انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر انزلی، ایران
saberinikoo@iaubanz.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

شواهد جهانی گویای آن است که یک حکومت توانمند با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، با رشد درآمدها و افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی پیوند مستقیم دارد. در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درستکار و مبتنی بر شایسته‌سالاری‌اند، قوانین و مقررات ساده و روشن هستند، حاکمیت قانون، منصفانه اعمال می‌شود، جامعه‌ی مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولتشان را افزایش می‌دهد، درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها افزایش می‌یابد، یک جامعه توسعه می‌یابد و امید به زندگی طولانی‌تر می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷۶). چنین حکومتی در واقع توانسته با توجه به شاخص‌های حکمرانی خوب، جامعه‌ی خود را اداره نماید. حکمرانی خوب، شکل آرمانی حکمرانیست که یک کشور را بر پایه‌ی عواملی چون مسئولیت‌پذیری حکومت، قانون، پاسخگویی، کارآمدی دولت، مبارزه با فساد، عدالت‌محوری و حق اظهار نظر اداره می‌نماید (گودا و کامر^۱، ۲۰۱۳: ۸۲).

اکثر دولت‌ها در قالب حکمرانی خوب، به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آنها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان آورند. با بررسی تاریخ تمدن بشری، مشخص است که کوشش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶)؛ به گونه‌ای که در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، پس از آنکه اجرای سیاست‌های تعدیل یا همان اجماع واشنگتنی در برخی کشورها شکست خورد، بانک جهانی^۲ به این نتیجه رسید که چون دولت‌ها در آن کشورها واجد شرایط لازم نیستند، لذا نمی‌توانند توصیه‌های این بانک را اجرا کنند. این در واقع اولین مرحله‌ی پیدایش و شکوفایی نظریه‌ی حکمرانی خوب بود. البته در سپهر اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی، ارسطو نخستین فردی بود که در رابطه با این اصطلاح، حکومت خوب^۳ را مطرح کرد و آن را در مقابل اصطلاح حکومت بد^۴ به عنوان معیار تعهد حکومت و حکومت‌گران به مصالح جمعی، نبود فساد و میزان پرهیز حکومت‌گران از روابط خانوادگی، گروهی و طبقاتی شدن حکومت بکار برد (سردارنیا، ۱۳۹۱ به نقل از مؤید، ۱۳۹۳: ۲).

1. Gowda & Kamer
2. World Bank
3. Good Government
4. Bad Government

بنابراین حکمرانی خوب، سابقه‌ای طولانی در تاریخ اندیشه بشر دارد که می‌توان صورت‌های گوناگون این نوع حکمرانی را در آثار فیلسوفان و اندیشمندان مشاهده کرد. با توجه به حجم گسترده‌ی آثار متفکرانی چون غزالی، سهروردی، نظام‌الملک و ...، عصر سلاجقه یکی از دوره‌های درخشان نظریه‌پردازی دینی و سیاسی در زمینه حکمرانی به شمار می‌آید و اصولاً تا قبل از این دوره، در حوزه‌ی وظایف سلطان و حکمران به عنوان یکی از عرصه‌های معرفتی دینی، افکار و اندیشه‌های گوناگون و ساختار قابل اعتنایی پیدا نشده بود و عرفا و اندیشمندان اسلامی از یک تعریف معین و اصولی درباره حکومت بر یک کشور برخوردار نبودند؛ اما یکی از بزرگترین سیاستمداران و معمار بزرگ امپراطوری سلجوقیان یعنی خواجه نظام‌الملک، به عنوان مقتدرترین وزیر ایرانی سلسله سلجوقیان که به مدت سی سال، سکان بزرگترین امپراطوری بعد از اسلام را در دست داشت، به فرمان ملک‌شاه پادشاه سلجوقی، تجربیات وی در امور کشورداری و دیوانی در کتاب «سیرالملوک» ثبت شد. این کتاب، به صورت واقع‌گرایانه برای مسائل و مشکلات حکومتی، چاره‌اندیشی نموده و راه و روش‌های عملی را برای رفع چنین مشکلاتی ارائه داده است. به جرأت می‌توان گفت که سیرالملوک خواجه نظام‌الملک در تحول اندیشه‌ی سیاسی ایران از چنان مقامی برخوردار بوده است که به تقریب هیچ نوشته‌ی سیاسی متأخر بر آن را نمی‌توان یافت که مطلبی از کتاب مذکور را به تضمین نیاورده باشد، از نصیحت‌الملوک غزالی گرفته که نخستین سیاست‌نامه پراهمیتی است که دو دهه پس از سیرالملوک خواجه نظام‌الملک نوشته شده تا برخی از رساله‌های دوره‌ی مشروطه‌خواهی. در واقع، خواجه نظام‌الملک با تحریر سیرالملوک بر پایه‌ی تجربیات وزارت خود و دریافتی از اندیشه سیاسی ایرانشهری، نظریه‌ی سلطنت مطلقه و نظام سیاسی متمرکزی را تدوین کرد که نزدیک به هزار سال یعنی تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه، شالوده‌ی هر گونه نظریه حکومت در ایران زمین به شمار می‌آمد. لذا آنچه در پژوهش حاضر دغدغه بوده، الگوی مناسب از حکمرانی خوب برای کشور ایران است. بنابراین محقق با رویکرد تاریخی و بومی و با توجه به نقش مهم نظام‌الملک در راستای حکمرانی صحیح یک مملکت، به دنبال معرفی الگوی مناسبی از حکمرانی خوب بر اساس کتاب سیرالملوک می‌باشد.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

با همه جامعیت و گسترده بودن مفهوم حکمرانی خوب، آنچه که در آن اتفاق نظر وجود دارد،

این است که ویژگی‌های حکمرانی خوب برای هر منطقه‌ای باید به صورت بومی تعریف گردد تا اثربخش و کارآ باشد. کتاب سیرالملوک به دلیل سابقه‌ی درخشان، به عنوان معیاری در امور مملکت‌داری همه‌ی ادوار مورد توجه بوده است و کمبود پژوهش در زمینه‌ی معرفی الگوی حکمرانی خوب بر اساس این کتاب نیز دلیلی بر شروع این مطالعه شد؛ بنابراین واکاوی کتاب سیرالملوک به منظور شناسایی ویژگی‌های حکمرانی خوب از نظر نظام‌الملک در راستای آگاهی از عقاید ایشان حائز اهمیت و از اهداف پژوهش حاضر است. بر این اساس پرسش پژوهش بدین نحو قابل صورت‌بندی است: الگوی حکمرانی بر اساس سیرالملوک خواجه نظام‌الملک طوسی چه می‌باشد؟

۳. پیشینه پژوهش

سردارنیا و شاکری (۱۳۹۳: ۲۷) در پژوهش تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روش زمینه‌گرا به این نتیجه دست یافتند که پابندی و اعتقاد به قوانین الهی و قراردادهای اجتماعی، سیال و آزاد بودن اطلاعات، مبارزه با فساد بر اساس شریعت توسط سازوکارهای نظارتی، بسترسازی و ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تمامی شهروندان در چارچوب شرع مقدس اسلام، پاسخگویی متقابل دولت، نهادهای مدنی، شهروندان و بخش خصوصی در مقابل یکدیگر و در مقابل خداوند، استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی به طور کامل، تلاش همزمان برای تعالی زندگی دنیوی و سعادت اخروی، مشروعیت الهی برای ثبوت حکومت و مشروعیت مردمی برای تحقق و اجرایی شدن حکومت از شاخص‌های حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه است. زاهدی (۱۳۹۲) در تبیین مدل مدیریتی کوروش دوم و داریوش اول هخامنشی با رویکرد تطبیقی بر حکمرانی خوب سعی کرده است تا شاخص‌هایی از حکمرانی خوب در قالب یک مدل را مطرح کند. این مطالعه، مؤلفه‌های مدل حکمرانی کوروش دوم را بدین صورت معرفی کرد؛ توسعه‌ی انسانی، تحکیم و تقویت نهادهای اجتماعی، حاکمیت قانون، داوری و دادرسی، استقلال داخلی، مدیریت استراتژیک، سیاست ادغام و همانندسازی و مؤلفه‌های مدل حکمرانی داریوش اول نیز عبارتند از: اثربخشی، کارایی، نظام کنترل و دادرسی، ثبات سیاسی، امور داخلی، امور بین‌الملل، نظام مالیاتی، آبادانی و سازندگی، اقتصاد تجارت و بازرگانی، قوانین محلی، قوانین ملی، نظام حقوقی و دادرسی و

توسعه انسانی. ایزدی جیران و یوسفی اقدام (۱۳۷۸: ۲۱) در پژوهش حکمرانی خوب در آیین کتاب «دده قورقود» با رویکرد کیفی تأویل متن و تحلیل محتوای کیفی به صورت قیاسی- استقرایی، شاخص‌های حکمرانی خوب را در چهار رویکرد مدیریتی (اثر بخشی مهم‌ترین اقدام نجبا، صداقت در سیاست، رویه‌های مشخص بیگی، شایسته‌سالاری، تشکیل شورای مشورتی، مردمی بودن تدبیرگر امور، دانایی محوری در تدبیر امور، به کارگیری سیاست‌ها توسط اجرا کنندگان، نظارت بر عملکرد بیگ‌ها، تأکید بر تعقل برای رئیس بیگ، اهمیت وافر سرزمین برای نجبا و همبستگی مردمی نجبا)، اقتصادی (توزیع مجدد ثروت، از بین بردن فقر و حمایت از فقرا)، سیاسی-حقوقی (حمایت و حفاظت شدید نجبا از مردم، انتقاد از حکمرانان، ایفای نقش افراد عادی جامعه، تدبیرگر امور و شأن بالا و نقش اجتماعی زنان) و اخلاقی (ایثار، خودستایی نکردن، ظاهر سازی نکردن، سپردن امور به شخصیت‌های سالم، سیاست دفاع، جوانمردی در جنگ، به اسارت رفتن، گذشت و بخشش بر عمل نادرست ناآگاهانه، یادآوری فانی بودن دنیا و خیر خواهی) شناسایی کردند.

ملکی (۱۳۹۸: ۸۷) با مرور دیدگاه‌های مشترک و متفاوت متفکران عصر سلجوقی در خصوص اندیشه‌پردازی حکمرانی خوب نتیجه گرفت که بیشتر اندیشمندان آن دوره، بر آمدن خلیفه و سلاطین سلجوقی را مخلوق اراده و مشیت خداوند دانسته و اصل تقدیر در اندیشه متفکران دارای اهمیت سیاسی خاصی بود؛ زیرا قدرت خلفا و سلاطین را حقانیت می‌بخشید. بدین ترتیب از سویی اصل وجود سلطان در پیوند ناگسستنی از اصل تقدیر الهی جست و جو می‌شود و از سویی دیگر، توجیه حکومت‌ها و مشروعیت بخشیدن با توسل به مذهب و امور دینی در انتخاب خاندان فردی خاص به حکومت و برقراری ارتباط با سلطان و نهادهای دینی صورت می‌پذیرفته است. غنی کله‌لو (۱۳۹۷: ۱۷۱) در بررسی آیین ملک‌داری در سیرالملوک از منظر حقوق عمومی، به دنبال پاسخگویی به مسأله وجود یا عدم وجود موضوعات و مفاهیم حقوق عمومی در اعصار گذشته و سپس بررسی میزان انطباق آیین ملک‌داری در سیرالملوک با حکومت‌داری در حقوق عمومی بود. با بررسی تحلیل محتوای سیرالملوک به این نتیجه رسید که این اثر با وجود تعلق آن به دوره‌های تاریخی پیشین، بسیاری از مسائل مورد بحث در حقوق عمومی کنونی که در ارتباط با آیین حکومت‌داری قرار می‌گیرد را در خود جای داده است. در نتیجه با توجه به یافته‌های پژوهش، مفاهیم و نهادهای حقوق اساسی مانند دولت، قدرت، ارتباط

دین و سیاست، وزارت و ...؛ مفاهیم و نهادهای حقوق اداری از قبیل شفافیت، مشارکت، تأمین اجتماعی و ...؛ مفاهیم و نهادهای حقوق مالی مثل مالیات، انصاف، امنیت اقتصادی و ... در سیرالملوک مورد بحث قرار گرفته‌اند.

روزبهرانی (۱۳۹۷: ۹۵) نیز بیان می‌کند که خواجه نظام‌الملک حق سلطنت را به سه چیز مسلم می‌داند؛ انتخاب الهی و یا به تعبیر او فرّ الهی، توارث و در نهایت شمشیر و توانایی نظامی و اگر چنین خصوصیتی در فردی جمع شود، از نظر خواجه نظام‌الملک کفایت امور دینی و دنیوی رعایا به ایشان تعلق می‌گیرد و وظیفه‌ی رعایا این است که راه اطاعت سپری کنند و به کار خویش مشغول شوند و او آنها را از رنج‌ها آسوده دارد تا در سایه‌ی عدل او به رضایت روزگار بگذرانند. شمس‌الدینی (۱۳۹۵: ۹۷) با بررسی تطبیقی آیین‌کشداری در آثار ابن‌مقفع و خواجه نظام‌الملک به این نتیجه رسید که خواجه نظام‌الملک معتقد است حاکم باید دانا باشد؛ پادشاه باید در هنگام خطای دیگران، خشم خود را فرو خورد و در خفا، مسئله بررسی شود؛ خلق و خوی نیکو، عدل و دادگستردی، مردانگی، دلیری، دانش و شفقت و رحمت، دین‌داری، مشورت کردن با بزرگان و دانایان، نظارت بر احوال قاضیان، دلاوری و شجاعت باید در حکمرانی مورد توجه قرار گیرند. حاج بابایی و شهیندی (۱۳۹۱: ۷۵) به مسئله‌ی فساد از دیدگاه خواجه نظام‌الملک پرداخت. نتیجه این است که خواجه در کتاب سیرالملوک، دیدگاه‌های خود را در خصوص ساختار حکومتی مطلوب بیان و مشکلات موجود در ساختار سیاسی و اداری سلجوقیان را بازگو می‌کند. بر اساس دیدگاه خواجه نظام‌الملک، موضوع فساد در چهار سرفصل فساد سیاسی، اداری، دینی و اجتماعی بیان شده است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که هر یک از مطالعات فوق، با رویکردی جزئی به مسئله‌ی حکمرانی و ملک‌داری در عصر سلجوقی و از دیدگاه خواجه نظام‌الملک پرداخته‌اند؛ بدین صورت که مطالعه ملکی (۱۳۹۸)، حکمرانی را از دیدگاه عصر سلجوقی مورد بررسی قرار داده است و به مسئله‌ی مشروعیت الهی حاکم و حکومت بیشتر در آثار «غزالی» و «سهروردی» توجه کرده و کمتر به خواجه نظام‌الملک طوسی پرداخته است. در همین راستا، روزبهرانی (۱۳۹۷) نیز به مشروعیت حکومت از دیدگاه خواجه نظام‌الملک اشاره کرد. مطالعه غنی کله‌لو (۱۳۹۷) با این فرض که برخی از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی، علی‌رغم مدرن بودن آنان به نوعی در سیاست‌نامه قابل جست‌وجو هستند، به دیدگاه حقوقی خواجه نظام‌الملک در کتاب سیرالملوک توجه کرده است.

شمس الدینی (۱۳۹۵)، ویژگی‌های حاکم و حکومت را از دیدگاه خواجه نظام الملک در مقایسه با دیدگاه «ابن مقفع» مدنظر نظر قرار داده‌اند و در نهایت، حاج بابایی و شهبندی (۱۳۹۵)، ابعاد مختلف مسئله‌ی فساد را از دیدگاه خواجه نظام الملک بررسی کردند. اصل مشروعیت حکومت، مبحث حقوقی حکومت، مسئله فساد و صفات نیکوی حاکم و حکومتیان در کنار ویژگی‌های بسیار دیگر، معیارهای حکمرانی خوب در نظر گرفته می‌شوند که در مطالعات فوق به صورت جداگانه در باب حکمرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین مطالعات پیشین، بیشتر به صورت کلی به مبحث حکمرانی از دیدگاه خواجه نظام الملک پرداخته‌اند و رویکردی جامع در بررسی حکمرانی خوب از دیدگاه خواجه نظام الملک نداشته‌اند. در نتیجه مسئله‌ی حکمرانی خوب از دیدگاه خواجه نظام الملک و با توجه به کتاب سیرالملوک تاکنون در هیچ مطالعه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است و طبیعتاً، استخراج الگوی حکمرانی خوب از نظر وی با توجه به اینکه کتاب سیرالملوک منبع قابل اتکایی در اداری حکومت معرفی و در بسیاری از ادوار ملاک حکمرانی قرار گرفته است، بر ضرورت و اهمیت مطالعه حاضر می‌افزاید.

۴. ملاحظات مفهومی و نظری

۴-۱. مفهوم حکمرانی خوب

اصل تأسیس حکومت و تلاش برای دستیابی به الگوی حکمرانی خوب، یکی از پرسش‌های مهم فقها و اندیشه‌ورزان سیاسی بوده است (دارا و لعل علیزاده، ۱۳۹۷: ۹)، البته حکمرانی خوب در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد، اما در طول دهه‌ی ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت دولتی اشاره دارد. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه‌ی دولت استفاده شده است. اما در طول دهه‌ی ۱۹۸۰، اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت به کار گرفتند (امامی و شاکری، ۱۳۹۴: ۲۷). این مفهوم از اوایل ۱۹۹۰ بسیار مورد توجه قرار گرفت. در واقع، هنگامی که نهادهای کمک‌رسان بین‌المللی به واسطه‌ی اینکه کشورهای فقیر و در حال توسعه، موانع متعددی پیش روی توسعه‌ی اقتصادی خود داشتند، تشکیل شد، حکمرانی خوب جایگاهی را در راستای توسعه‌ی اقتصادی کسب کرد (پاداش زیوه و خدایپناه، ۱۳۹۴: ۱۶۷). در نتیجه، الگوی حکمرانی خوب پس از اینکه دولت‌ها با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شدند، به مثابه راهکاری جدید برای خروج از چالش‌ها ارائه شد

(اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۶). حکمرانی خوب، موضوعی است که مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و با استقرار و نهادینه‌سازی جامعه‌ی مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲). به این ترتیب باید گفت؛ مفهوم حکمرانی خوب، بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). به صورت دقیق‌تر، مفهوم حکمرانی خوب بر تعامل بخش دولتی، خصوصی و شهروندان در اداره امور شهری در یک جریان افقی تأکید دارد (مونتی^۱، ۲۰۱۹: ۴۶). دولت محیط سیاسی و حقوقی مناسب به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد ایجاد می‌کند و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌نماید (صحرايي و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۰۸).

بانک جهانی (۱۹۸۹) به عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر برای اولین بار در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرده، حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است. در حالت کلی، بانک جهانی با هدف کمک به کشورها و به منظور کاهش فقر و تقویت رشد پایدار، بر پارامترهای ذیل که ابعاد کلیدی مفهوم حکمرانی خوب را شکل می‌دهد، تأکید می‌کند؛ ۱- مدیریت بخش عمومی؛ ۲- پاسخگویی؛ ۳- چارچوب قانونی برای توسعه و ۴- شفافیت اطلاعات. مدیریت بخش عمومی بر این مفهوم تأکید دارد که حکمرانی روشی برای اداره کارآمد بخش عمومی خواهد بود. از این طریق امکان ارائه خدمات عمومی بهتر و بازدهی آن نیز بیشتر است. بهبود مدیریت بخش عمومی گامی مهم در کاهش فقر و رشد پایدار خواهد بود. پاسخگویی از دیگر ابعاد مفهوم حکمرانی است. حکمرانی ترکیبی از اعمال اختیار را پیشنهاد می‌کند که در آن هر بخش به میزان اختیار، پاسخگو نیز می‌باشد. همچنین تصمیم‌گیران هر بخش نسبت به مسائل عمومی پاسخگو و مسئول خواهند بود. قانون، محوری‌ترین شاخص در حکمرانی است که به موجب آن توسعه و سازوکارهای آن بر محور خود و مبتنی بر قانون خواهد بود. از این رو، چارچوب‌های قانونی در توسعه ملاک عمل خواهد بود. در نهایت شفافیت بالا و اطلاعات کافی از دیگر ابعاد حکمرانی خوب است که به موجب آن تصمیم‌گیری با دقت و پیش‌بینی بهتر شکل می‌گیرد.

تعریف حکمرانی خوب از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول^۱ نیز عبارت است از حکمرانی همه جنبه‌های مربوط به اداره کشور که سیاست‌های اقتصادی و چارچوب تنظیمی را در بر می‌گیرد. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲، استفاده از اقتدار سیاسی و اعمال کنترل برای مدیریت منابع جامعه به منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی را حکمرانی خوب می‌داند (آهنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۱ و ۱۰۳)؛ یعنی در جریان توسعه، زیربناهای مادی، اعیان و محیط زندگی مردم تغییر خواهد کرد و رفاه و ایمنی حاصل می‌شود (عنبری، ۱۳۹۴: ۱۰). بنابراین در حالت کلی، حکمرانی خوب با ابعاد سیاسی، اقتصادی، انسانی و رویکردهای توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی تعریف شده است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

۲-۴. شاخص‌های حکمرانی خوب

از نظر گروه بانک جهانی (۲۰۱۷)، حکمرانی خوب مشتمل بر این شاخص‌هاست: ۱. کنترل فساد؛ ۲. اثربخشی دولت؛ ۳. ثبات سیاسی؛ ۴. کیفیت قوانین و مقررات؛ ۵. حاکمیت قانون و ۶. حق اظهار نظر و پاسخگویی. مشابه با شاخص‌های معرفی شده توسط بانک جهانی، یک مبنای اساسی دیگر برای ویژگی‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۳ (۲۰۱۰) به این ترتیب معرفی شده است: ۱. مشارکت؛ ۲. حاکمیت قانون؛ ۳. شفافیت؛ ۴. مسئولیت‌پذیری؛ ۵. اجماع‌سازی؛ ۶. عدالت و انصاف؛ ۷. کارایی و اثربخشی؛ ۸. پاسخگویی؛ ۹. بینش راهبردی و ۱۰. تمرکززدایی. از نظر کوئی^۴ (۲۰۱۲: ۱۵)، شاخص‌های حکمرانی خوب عبارتند از: ۱. شفافیت؛ ۲. پاسخگویی؛ ۳. عدالت و همه‌گیری؛ ۴. کارایی و اثربخشی و ۵. مسئولیت. از نظر کرودر و سیفی^۵ (۲۰۱۷: ۸)، چهار اصل حکمرانی خوب وجود دارد که عبارتند از: ۱. شفافیت؛ ۲. پاسخگویی؛ ۳. مسئولیت و ۴. ارتقاء. پنج اصل اساسی حکمرانی خوب ارائه شده توسط کمیته

1. International Monetary Fund
2. Organisation for Economic Co-operation & Development
3. The United Nations Development Program
4. Kioe
5. Crowther & Seifi

جوامع اروپایی^۱ (۲۰۰۱) عبارتند از: ۱. بازبودن؛ ۲. مشارکت؛ ۳. پاسخگویی و ۴. اثربخشی و انسجام (به نقل از گروس و زروبک^۲، ۲۰۱۵: ۳۵۵).

بانک توسعه آسیا^۳ (۱۹۹۵)، شفافیت، قابلیت پاسخگویی و همچنین قابلیت پیش‌بینی و مشارکت را از شاخص‌های حکمرانی خوب معرفی می‌کند. علاوه بر موارد ذکر شده، اداره بازرسی ملی استرالیا^۴ (۲۰۰۳)، شاخص‌های خاص حکمرانی خوب را برای بخش دولتی مشخص نموده است که شامل صلاحیت پاسخگویی، نظارت، هدایت و کنترل است.

آکتان و اوزلر^۵ (۲۰۰۸: ۱۸۰) هم شاخص‌هایی مانند نمایندگی، مشارکت و بازرسی، جامعه مدنی کارآمد، تفوق قانون، مدیریت غیر متمرکز، شفاف و واضح، استعداد مسئولیت‌پذیری، کیفیت و اخلاق، قوانین و محدودیت‌ها، روش‌های نمایندگی بدیل بر طبق رقابت و اقتصاد بازار و سرانجام سازگاری با انقلاب دیجیتال را متصف به حکمرانی خوب می‌داند.

الوانی و همکاران (۱۳۹۹: ۱۰۱) با مرور چندین تحقیق بین‌المللی و آثار برخی از محققینی که در سال‌های اخیر در زمینه ارزیابی کیفیت جنبه‌های مختلف فرآیندهای حکمرانی خوب ارائه شده‌اند، شاخص‌هایی را شناسایی و خلاصه این شاخص‌ها را از نظر پنج بعد به صورت جدول ۱ گروه‌بندی کرده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب

ابعاد	شاخص‌ها
مشارکت	حق اظهار نظر - انتخاب آزاد و منصفانه - تکرارگری رسانه‌ها - اجماع - آزادی سیاسی
پاسخگویی	پاسخگویی - مسئولیت‌پذیری - اعتماد - شفافیت - رفتار اخلاقی و منصفانه
عدلت و برابری	کیفیت مقررات - حاکمیت قانون - توزیع عادلانه - انصاف - تساوی حقوقی - میزان تحمل تنوع
توسعه انسانی	توانمندسازی جنسیتی - توسعه انسانی - کیفیت زندگی
کارایی و اثربخشی دولت	کنترل فساد - اثربخشی دولت - کارایی قضایی - کارایی اداری - توانایی رقابت در محیط جهانی - ثبات سیاسی - فقدان آشوب

منبع: الوانی و همکاران (۱۳۹۹: ۱۰۱)

1. European Commission
2. Gross & Žróbek
3. Asian Development Bank
4. Australian National Audit Office
5. Aktan & Ozler

بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب نشان می‌دهد که شاخص‌های مذکور در مطالعات مختلف، از شاخص‌های حکمرانی خوب گروه بانک جهانی تبعیت می‌کنند؛ در واقع، شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی به دلیل قدمت و سابقه استفاده در پژوهش‌های مختلف در ابعاد جهانی از اعتبار بالایی برخوردار است. بنابراین الگوی حکمرانی بانک جهانی، کامل‌ترین الگوی حکمرانی خوب در بین مطالعات مختلف مطرح شده است. در نتیجه، بعد از مرحله شناسایی شاخص‌های حکمرانی خوب خواجه نظام الملک در کتاب سیرالملوک، این شاخص‌ها با شاخص‌های مذکور در پیشینه با تأکید بیشتر بر الگوی حکمرانی خوب بانک جهانی مورد مقایسه قرار گرفتند.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر، اکتشافی و از لحاظ هدف، توسعه‌ای است که به دامنه‌ی فعالیت‌های پژوهشی در راستای حکمرانی و حکمرانی خوب می‌افزاید. پژوهش به صورت کیفی و کمی انجام گرفته است. کتاب سیرالملوک به تصحیح هیوبرت دارک^۱ چاپ دوم ۱۳۴۷ به دلیل جامع و کامل بودن، ملاک بررسی قرار گرفت و در بخش اول، محقق با فرآیند استقرایی کار خود را آغاز کرد؛ بدین صورت که ابتدا متن کتاب سیرالملوک را مورد مطالعه قرار داد و در روند مطالعه پیرامون موضوع حکمرانی، به تحلیل محتوای کیفی و کمی متن پرداخت. در فرآیند تحلیل محتوای کیفی از روش کدگذاری استفاده شد. در کدگذاری باز، مفاهیم از جملات یا پاراگراف‌های متن شناسایی شد و بعد از شناسایی کامل مفاهیم، در کدگذاری محوری وارد فرآیند حذف و ادغام شده و مقولات شناسایی شدند و در نهایت در کدگذاری انتخابی، مقوله‌بندی سطح دوم انجام گرفت و در نهایت ابعاد حکمرانی در این مرحله شناسایی شدند و سپس از طریق روش تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای، میزان تکرار مفاهیم هر مقوله در متن نسبت به کل کدهای باز استخراج شده بررسی شد تا اهمیت هر مقوله با توجه به تکرارها مشخص شود. بعد از اتمام فرآیند کدگذاری، الگوی حکمرانی استخراج شد و سپس بر اساس فرآیند قیاس، ابعاد الگوی مدنظر با ابعاد الگوهای حکمرانی خوب که بر اساس بررسی کتابخانه‌ای و پیشینه مشخص شده‌اند، مورد مقایسه و بحث قرار گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، متن کتاب سیر الملوک جهت تحلیل محتوا کدگذاری شد؛ به این صورت که ابتدا، خط به خط متن مطالعه شد و بعد از بررسی متن به هر جمله یا پاراگراف یک برچسب مفهومی (کدگذاری باز) اختصاص داده شد. کدهای باز در قالب ۲۵۵ مفهوم برگزیده شدند. البته به دلیل حجم داده‌های متنی مستخرج از متن سیر الملوک، بخشی از آن به عنوان نمونه در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. کدهای باز مستخرج از متن سیر الملوک در باب حکمرانی خوب

کدهای باز	متن سیر الملوک (داده‌ها)
پادشاه برگزیده الهی	ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند (ص ۱۱)
منزه بودن پادشاه و ایمن بودن سلطنتش در سایه‌ی توجه ایزد تعالی	ایزد تعالی او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو باز بندد و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او اندر دل‌ها و چشم خلایق بگستراند تا مردم اندر عدل او روزگار می‌گذارند و آمن همی باشند و بقای دولت می‌خواهند (ص ۱۱).
پادشاه برگزیده‌ی تقدیر الهی	پس از بندگان یکی را که از تقدیر ایزدی، سعادت و دولتی حاصل شود، او را حق تعالی بر اندازه او اقبالی عرضه دارد (ص ۱۳).
برگزیده‌ی شایسته الهی و لزوم تمکین جهانیان از او	لاجرم ایزد تعالی بر اندازه شایستگی مملکت داد. او را و همه جهان را مسخر او گردانید، هیبت و سیاست او به همه اقلیت‌ها برسانید تا جهانیان خراج‌گذار او باشند و به تقریبی که به او می‌کنند، از شمشیر او آمن‌اند (ص ۱۳).
پادشاه جامع خرد و سر منشاء هدایت و بی‌نیاز از مشیر و راهنما	دانش پادشاه چون شمعی باشد که بسیار روشنایی‌ها از آن شمع افروخته باشند و مردمان بدان روشنایی راه یابند و از تاریکی بیرون آیند و او را به هیچ مشیری و راهنمایی حاجت نباشد (ص ۱۴).
سلطنت موروثی	خداوند عالم شاهنشاه اعظم را از دو اصل بزرگوار که پادشاهی و پیش‌روی همیشه در خاندان ایشان بود- و پدر بر پدر همچنین تا افراسیاب بزرگ پدیدار آورد (ص ۱۳).
تلاش درباریان برای بر تخت نشاندن شاه بعدی بر اساس اصل سلطنت موروثی	و چون نوح درگذشت، ابن منصور بن نوح را به جای پدر به پادشاهی نشاندند (ص ۱۴۵).
وزارت موروثی	و اگر وزیر، وزیرزاده باشد، نیکوتر بود و مبارک‌تر که از روزگار اردشیر بابکان تا یزدگرد شهریار آخر ملوک عجم همچنان که پادشاه فرزند پادشاه بایستی وزیر هم فرزند وزیر بایستی و تا اسلام در نیامد همچنین بود. چون ملک از خانه ملوک عجم برفت وزارت از خانه وزرا نیز برفت (ص ۲۳۴).

<p>از بس جلدی که در توسست، می خواهی که از سر همه بیرون جهی. تو را و برادر تو را گنج از کجا آمد که پدر شما مردی رویگر بود و شما رویگری آموختید و از اتفاق آسمانی ملک به تغلب فرو گرفتید و به تهوژ کار شما بر آمد و این گنجها از درم و دینار همه آن است که از مردمان به ظلم و به ناحق بسته‌اید و از بهای ریسمان گنده پیران و بیوه زنان است و از توشه غریبان و مسافران است و از مال یتیمان و ضعیفان است و جواب هر حبه فردا پیش خدای عزوجل شما را می باید دادن و باد افراه ایزد و پاداش آن بچشیدن (صص ۲۷-۲۸).</p>	<p>محکومیت سلطنت قهری</p>
<p>نوشیروان بر تخت نشست و اول خدای را سپاس داری کرد و گفت: «بدانید که مرا این پادشاهی خدای عزوجل داد و دیگر از پدر به میراث دارم و ... پیوسته شما را همی گویم که با رعایا نیکو روید و به جز مال حق مستانید. من حرمت شما نگاه می دارم و شما نگاه نمی دارید و شما سخن من در گوش نمی گیرید و از خدای نمی ترسید و از خلق شرم نمی دارید و من از بادافراه یزدان همی ترسم. نباید که شومی بیداد شما به روزگار دولت من برسد... رعایا را سبک بار دارید و ضعیفان را میازارید و دانایان را حرمت دارید و با نیکان بنشینید و از بدان بهره‌یزید و خویشکاران را میازارید. خدای را و فرشتگان را بر خویشستن گواه گرفتم که اگر کسی بخلاف این طریقی سپرد هیچ ابقا نکنم» (صص ۴۴-۴۵).</p>	<p>توأمان بودن برگزیدگی الهی و سلطنت میراثی در یک پادشاه</p>
<p>پس چون از سعادت آسمانی روزگار نحوست بگذرد و ایام راحتی و ایمنی پدیدار آید، ایزد تعالی پادشاهی پدیدار آورد، عادل و عاقل از ابنای ملوک و او را دولتی دهد که همه دشمنان را قهر کند و عقل و دانش دهد که تمییز کند و از هر کسی پرسد و بر رسد که آیین پادشاهان در هر کاری چگونه بوده است و دفترها برخوانند تا روزگار همه ترتیب و آیین ملک را به جای خویش باز برد و اندازه درجه هر کسی پدیدار کند. ارزانیان را به پایه خویش رساند، نارزانیان را دست کوتاه کند و به کار و پیشه خویش فرستد و کافر نعمت را از بیخ زمین برکند و دین دوست و ستم دشمن باشد. دین را نصرت کند و هوا و بدعت را برگردد (ص ۲۰۳).</p>	<p>پدیدار شدن سلطنت پادشاه عادل، عاقل، دانا، تجربه‌آموز، شایسته‌سالار و دین دوست پس از سپری شدن روزگار نحوست و بلوا</p>
<p>پس از این مال باقی بر سر حدّ کاشغر، بلور و شنکان شهری با چهار دیوار محکم بکردند و نام او بدخشان نهادند و امروز بر جای است (ص ۱۹۳).</p>	<p>ایجاد شهرهای مستحکم</p>

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس مفاهیم کدهای باز در جدول فوق، کدهای محوری مشخص شد و در نهایت کدهای انتخابی با طبقه‌بندی کدهای محوری مشخص شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. ابعاد حکمرانی خوب از دیدگاه خواجه نظام الملک (کدهای محوری و انتخابی)

تکرار در متن	کدهای محوری	کدهای انتخابی
۱/۹۶	برخورداری حکومت از مشروعیت الهی	ایجاد ثبات سیاسی
۱/۱۸	اصل وراثت	
۱/۹۶	اصل سلطنت	
۰/۷۸	لزوم برخورداری از نهادهای اطلاعاتی	آمادگی در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و خبری
۱/۵۷	لزوم برخورداری از نهادهای خبری	
۰/۷۸	برخورداری از گارد امنیتی ویژه	
۱/۱۸	ایجاد و تقویت سیستم ارتباطی قدرتمند	
۲/۳۵	آمادگی در برابر تهدیدهای امنیتی و شورش‌های داخلی	متمرکز ساختن قدرت
۳/۱۴	پادشاه قدرت برتر و فراتر از قانون	
۰/۷۸	کنترل قدرت و حفظ یکپارچگی آن	
۲/۷۵	تقویت امور جنگی و نظامی‌گری	نظامی‌گری
۰/۳۹	تقویت بنیه دفاعی	
۳/۱۴	حکومت مظهر شایستگی‌ها	شایسته‌سازی ارکان حکومت
۲/۷۵	اخلاق‌مداری حکومت	
۰/۷۸	دولت شایسته عامل اعتلاء حکومت	
۰/۷۸	شروع اصلاحات از داخل حکومت	
۲/۳۵	اهتمام به امور علمی	
۳/۱۴	اهتمام به امور عبادی و دینی	
۰/۷۸	بهره‌وری از دانش و تجربیات پیشینیان	
۲/۳۵	بهره‌گیری از افراد متخصص و مجرب	
۲/۷۵	شایسته‌سالاری	شایسته‌سالاری
۰/۳۹	ارزش‌گذاری کارگزاران توسط حکومت	
۰/۷۸	ایجاد هماهنگی و جلوگیری از خلل در کارها	اتخاذ سیاست‌های مناسب
۱/۱۸	آشکار ساختن بخشش و رأفت حکومت	
۱/۵۷	مسئولیت‌پذیری	
۰/۷۸	مؤثر بودن سیستم تنبیه و تشویق بر جامعه	
۱/۵۷	دقت در انتصاب و عزل	
۱/۱۸	راستی آزمایی	
۱/۱۸	برپایی اصل تکریم	
۰/۷۸	لزوم رفتار مناسب کارکنان دولت با مردم	

۰/۳۹	تغذیه و بهبود عملکرد نیروی انسانی	برقراری نظم و تقویت و توسعه نیروی انسانی
۰/۳۹	کامل بودن کادر اداری	
۰/۷۸	احترام به سلسله مراتب	
۱/۵۷	شفاف سازی در مشاغل و مناصب	
۱/۵۷	پرورش همراهان برگزیده حکومتی	عمران و آبادانی
۱/۵۷	عمران و آبادانی	
۰/۳۹	اصل احترام متقابل بین حکومت‌ها	سیاست‌های ارتباطی
۱/۵۷	روابط عمومی	
۰/۷۸	مردم‌داری	ارتباطات مردمی حکومت
۱/۹۶	تأمین مایحتاج اولیه مردم	
۱/۱۸	تماس مستقیم با مردم	
۰/۳۹	ارتباط دین و دولت	دین‌مداری و انگیزاسیون
۱/۵۷	اهمیت اعتقاد در تمامی زمینه‌ها	
۰/۷۸	تفکیک قومیتی و مذهبی	
۰/۳۹	مقابله با جوان‌گرایی	
۲/۷۵	جلوگیری از ورود زنان به عالم سیاست	
۰/۷۸	سرکوب مذهبی	تبعیض در مجازات خواص و عوام
۰/۳۹	تبعیض در مجازات خواص و عوام	
۰/۳۹	امنیت و عدل رمز آبادانی	
۰/۷۸	بهره‌گیری از قوه قهریه و ایجاد رعب و وحشت برای مقاصد پیشگیرانه	ایجاد ثبات اجتماعی
۰/۷۸	جلب رضایت عمومی	
۰/۷۸	رضایت مردم راهکار دوام حکومت	
۲/۳۵	عوامل زوال حکومت	
۰/۷۸	تجمل‌گرایی	تجمل‌گرایی
۲/۷۵	برقراری نظام مشورتی	تنظیم مناسب قوانین
۱/۵۷	احترام به قوانین	احترام مردم و دولت به قانون

۱/۱۸	اصل بازرندگی و پیشگیری	مبارزه با فساد
۱/۵۷	پشتیبانی حکومت از پست‌های کلیدی	
۲/۷۵	حکومت پیش‌قدم مبارزه با ظلم و فساد	
۱/۹۶	ترویج نمودهای اخلاقی	
۰/۷۸	تأمین مالی مناصب و موقعیت‌های کلیدی	
۱/۱۸	اهمیت پرهیزگاری	
۲/۳۵	عاقبت‌اندیشی	
۰/۷۸	اصل اعتماد	
۰/۷۸	اصل اعتدال	
۱/۹۶	لزوم برقراری اصل نظارت	
۰/۷۸	بی‌اعتنایی به دنیا	
۱/۱۸	سنجش دستگاه قضات و نظارت بر عملکرد قضات	
۱/۵۷	مجازات خطاکاران و تناسب جزا با خطا	
۰/۳۹	عدم تبعیض در اجرای عدالت	
۲/۳۵	عدالت محوری	
۰/۳۹	نظارت بر اقتصاد و تجارت	مدیریت و کنترل اقتصاد جامعه
۰/۳۹	مبارزه با احتکار	
۰/۷۸	ایجاد پشتوانه مالی	مدیریت امور مالی
۰/۳۹	تنظیم و کنترل امور مالی	
۰/۳۹	شفافیت در زمینه امور مالی	

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق جدول فوق، ابعاد حکمرانی مدنظر خواجه نظام‌الملک (کدهای انتخابی) به ابعاد کلان و جامع‌تر سیاسی، نظامی، اداری، اجتماعی، فرهنگی، قانونی و اقتصادی تقسیم شده است و از بررسی درصدهای تکرار هر یک از مؤلفه‌ها (کدهای انتخابی) مشخص است که کمترین تکرار اختصاص پیدا می‌کند به مؤلفه‌ای که فقط یک بار به میزان ۰/۳۹ درصد در متن تکرار شده است. در مرتبه بعدی، مؤلفه‌هایی قرار می‌گیرند که دو بار و به میزان ۰/۷۸ درصد در متن تکرار شده‌اند. سپس به ترتیب، مؤلفه‌هایی که سه بار به میزان ۱/۱۸ درصد، چهار بار به میزان ۱/۵۷ درصد، پنج بار به میزان ۱/۹۶، شش بار به میزان ۲/۳۵ درصد و در نهایت، مؤلفه‌هایی که به بیشترین تعداد یعنی هشت بار و به میزان ۳/۱۴ درصد در متن تکرار شده‌اند. بر اساس ابعاد

کلان و مؤلفه‌های مستخرج از متن، الگوی حکمرانی مدنظر خواجه نظام الملک در قالب شکل ۱ معرفی شد.



شکل ۱. الگوی حکمرانی خواجه نظام الملک طوسی

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر با هدف شناسایی الگوی حکمرانی خوب در کتاب «سیرالملوک» خواجه نظام‌الملک در دو مرحله‌ی کیفی و کمی انجام شد؛ در بخش کیفی، متن سیرالملوک به صورت باز، محوری و انتخابی مبتنی بر رویکرد استقرایی و تحلیل محتوا کدگذاری شد و سپس، ابعاد و ویژگی‌های حکمرانی خواجه نظام‌الملک مشخص گردید. در بخش کمی، میزان تکرار کدهای محوری در متن تعیین شد. بنابراین با توجه به تحلیل محتوای کتاب سیرالملوک مشخص شد که الگوی حکمرانی مدنظر خواجه نظام‌الملک در قالب ابعاد سیاسی (ایجاد ثبات سیاسی - آمادگی در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و خبری - متمرکز ساختن قدرت)؛ نظامی (نظامی‌گری)؛ اداری (شایسته‌سازی ارکان حکومت - شایسته‌سالاری - اتخاذ سیاست‌های مناسب)؛ اجتماعی (برقراری نظم و تقویت و توسعه نیروی انسانی - عمران و آبادانی - سیاست‌های ارتباطی - ارتباطات مردمی حکومت - دین‌مداری و انگیزاسیون و تبعیض - ایجاد ثبات اجتماعی)؛ فرهنگی (تجمل‌گرایی)؛ قانونی (تنظیم مناسب قوانین - احترام مردم و دولت به قانون - مبارزه با فساد) و اقتصادی (مدیریت و کنترل اقتصاد جامعه - مدیریت امور مالی) مطرح می‌باشد. همچنین، همانطور که مشخص شد مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد در متن حداقل یک بار تا حداکثر هشت بار در متن تکرار شده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که یکی از دلایل کم بودن میزان درصد تکرار مؤلفه‌ها در متن، بررسی بسیار جزئی متن می‌باشد و یکی از دلایل دیگر این است که کتاب سیرالملوک به صورت فصل‌بندی کوتاه تدوین شده است و هر فصل به یک موضوع خاص اختصاص پیدا می‌کند و طبیعتاً، تکرار هر یک از مؤلفه‌ها در قالب مفاهیم آشکار یا پنهان متن، نسبت کمی از کل مفاهیم را به خود اختصاص خواهد داد. در حالت کلی، هر یک از این درصدها میزان اهمیت موضوعات مختلف را در کتاب نشان می‌دهد که خواجه نظام‌الملک به نحوی در بخش‌های مختلف کتاب به آنها اشاره کرده است. بنابراین می‌توان مفاهیم مدنظر خواجه نظام‌الملک را در هشت گروه طبقه‌بندی کرد که اهمیت هر گروه نسبت به گروه قبل و بعد خود فقط در یک مفهوم بیشتر یا کمتر می‌باشد؛ اما چون مباحث هر فصل کوتاه می‌باشد، اختلاف در یک مفهوم بیشتر یا کمتر نیز میزان اهمیت مفاهیم را می‌رساند.

در ادامه، به منظور بحث و بررسی یافته‌های پژوهش، الگوی حکمرانی خوب خواجه

نظام‌الملک با سایر الگوهای حکمرانی خوب مورد مقایسه و بحث قرار گرفت. البته همانطور که در بخش مبانی نظری اشاره شد، جامع‌ترین الگوی حکمرانی خوب طبق پیشینه، الگوی حکمرانی بانک جهانی می‌باشد که ابعاد ۱. کنترل فساد؛ ۲. اثربخشی دولت؛ ۳. ثبات سیاسی؛ ۴. کیفیت قوانین و مقررات؛ ۵. حاکمیت قانون و ۶. حق اظهارنظر و پاسخگویی را در بر می‌گیرد؛ در نتیجه الگوی مذکور معیار مقایسه قرار گرفته است. البته سایر الگوهای حکمرانی خوب نیز جهت مقایسه مورد توجه قرار گرفتند.

اولین معیاری که بانک جهانی به عنوان شاخص حکمرانی خوب بدان اشاره دارد، مبحث فساد می‌باشد؛ این مبحث در قالب مقوله‌ی مبارزه با فساد در الگوی خواجه نظام‌الملک هم مطرح شده و در زیر مجموعه بعد قانونی قرار گرفته است و مؤلفه‌های این مقوله نشان می‌دهند که حکومت به صورت بازدارنده و پیشگیری‌کننده فساد و ظلم عمل می‌کند و حتی قضاوت را به عنوان مجریان قانون و کنترل‌کننده فساد، به صورت کلیدی مورد نظارت قرار می‌دهد تا ساختارهای داخلی هم دچار ظلم و فساد نشوند. همچنین یک سیستم مناسب تنبیه و تشویق برقرار می‌باشد که به عنوان سیستم پیشگیری‌کننده ظالمان و مفسدان عمل می‌کند و در زمان مناسب و به بهترین شکل ممکن، این گروه تنبیه خواهند شد و در این راستا، عدالت و اعتدال ملاک اصلی در امر حکومت می‌باشد. در حالت کلی، در خصوص عدالت خواجه نظام‌الملک اشاره می‌کند؛ «ملک با کفر بپاید و با ظلم نپاید». در عین حال به یک سیستم نظارتی مناسب که باعث کاهش فساد و استقرار عدالت شود، نیز معتقد بود. بانک جهانی در کنترل فساد، به فساد رفتاری اشاره کرده است؛ بدین صورت که افراد صاحب قدرت از جایگاه خود سوءاستفاده می‌کنند. خواجه نظام‌الملک نیز به وضوح به پست‌های کلیدی و حتی قضات در این راستا اشاره می‌کند و این افراد را مورد خطاب قرار می‌دهد. وی معتقد است که وقتی شخصی به عنوان حاکم انتخاب می‌شود، باید از فساد دور باشد و انجام کارهای خلاف بر او منع گردد. البته اصولاً ساختار قبیله‌ای سلجوقیان با نظام اداری رسمی در تضاد بود؛ از این رو در آن دوره، پاره‌ای از سازمان‌ها و رسوم اداری از میان رفتند که همین امر، تأثیر فراوان در ایجاد فساد اداری داشته است. حتی خواجه نظام‌الملک نیز در سیرالملوک اشاره می‌کند که شغل صاحب برید می‌تواند یکی از عواملی باشد که مانع فساد در حکومت شود. دیوان برید از ناظران و مجریان نظام اداری عصر غزنویان و سپس سلجوقیان بود که با گذشت زمان از اهمیت آن کاسته شده است.

معیار اثربخشی در الگوی بانک جهانی یعنی صلاحیت حکمرانی را می‌توان در الگوی خواجه نظام‌الملک مشاهده کرد. همچنین خواجه نظام‌الملک بیان می‌کند برای اینکه حکومت از نظر سیاسی دارای امنیت و ثبات باشد، باید به مشروعیت الهی و اصل وراثت متوسل شد و سلطنت قهری را منع و سرکوب نمود. خواجه نظام‌الملک به خوبی از هم پیوستگی سه عامل رفاه، بهره‌وری و کارایی آگاهی داشت. به نظر او در حالت کلی، مراقبت از رفاه جامعه باعث افزایش بهره‌وری مورد انتظار جامعه و سطح کارایی آن می‌گردد که در نتیجه، ثبات سیاسی برقرار خواهد شد. همراه با ثبات سیاسی، آمادگی در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و خبری و همچنین متمرکز ساختن قدرت در بعد کلان سیاسی الگوی حکمرانی خوب خواجه نظام‌الملک نیز مطرح می‌باشد. در واقع، طبق نظر خواجه نظام‌الملک، نهادهای اطلاعاتی و خبری از طریق پوشش دادن جاسوسان و مأموران اطلاعاتی در هیأت اصناف و اقشار مختلف مردم برای بالا بردن قدرت اطلاعاتی، فرستادن جاسوسان در پوشش سفیر و پیک و... و کسب اطلاعات از ممالک دیگر به تقویت جایگاه سیاسی کمک می‌کنند و همچنین پیگیری روزانه اخبار و ارتباط مداوم با اقصی نقاط دارالملک و الزام آگاهی از همه امور به وسیله نهادهای مذکور نیز در ثبات سیاسی و امنیتی حکومت نقش دارند. البته همه این موارد زمانی تحقق پیدا می‌کرد که کنترل قدرت به صورت متمرکز در دستان حاکم باشد و قدرت حاکم برتر از قانون برآورد شود.

در ادامه بحث باید اشاره کرد در الگوی بانک جهانی، کیفیت قوانین و مقررات بیشتر بر قوانین بازار، سیستم بانکی و تجارت خارجی اشاره دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۷). کیفیت قوانین و مقررات از این رویکرد، در بعد اقتصادی متن سیرالملوک یافت می‌شود که عواملی مثل مدیریت و کنترل اقتصاد جامعه و مدیریت امور مالی را در بر می‌گیرد. اما در کل، در متن سیرالملوک، بعد قانون، عوامل تنظیم مناسب قوانین، احترام مردم و دولت به قانون و مبارزه با فساد را در زیرمجموعه خود دارد که تنظیم قوانین بر اساس نظام مشورتی شکل می‌گیرد. افراد عام و خواص به قانون احترام می‌گذارند و قوانین به گونه‌ای تدوین شده است که عاملی برای مبارزه با فساد می‌باشد. البته تصور می‌شود خواجه نظام‌الملک با برتری دادن قدرت پادشاه نسبت به قانون، دستور شاه را به عنوان قانون معرفی می‌کند. ناگفته نماند وی مقاومت در برابر شاه بد را جایز نمی‌شمارد و مثل همه اندیشمندان سنتی جور حاکم را بر هر گونه هرج و مرج ترجیح می‌دهد. با این حال نمی‌توان در نظریه‌ی خواجه نظام‌الملک، شاه را به معنی دقیق کلمه، شاه مطلقه و

حکومت مورد نظر او را حکومت مطلقه به معنی دقیق کلمه دانست، زیرا خواجه نظام الملک نیز مثل همه نظریه پردازان پیش از خود و بعد از خود شریعت اسلام را به عنوان قانون اساسی نظام معرفی می‌کند و از نظر وی، حاکم باید به این قانون پایبند باشد. همچنین به صراحت می‌گوید که شاه باید قانون شریعت را اجرا کند، احکام دینی را به دقت انجام دهد، به علمای دین احترام بگذارد و حتی هزینه‌ی زندگی آنها را از بیت المال تأمین کند. شاه باید قاضی‌هایی را منصوب کند که از طرف او قانون شریعت را در میان مردم پیاده کنند و به اختلافات بین مردم رسیدگی کنند. شاخص قانون از جمله شاخص‌هایی می‌باشد که تقریباً در تمامی مطالعات پیشین هم به عنوان شاخص حکمرانی خوب در نظر گرفته شده است.

حق اظهار نظر و پاسخگویی هم از عواملی است که در مطالعه‌ی حاضر، نیز این امر مورد توجه قرار گرفته است؛ مخصوصاً خواجه نظام الملک به پاسخگویی همه در آخرت حتی خواص الهی، بازخواست مسئولان در روز قیامت، پاسخگویی پادشاه پس از مرگ، مسئولیت و پاسخگویی پادشاه در پیشگاه الهی در مورد حقوق مردم، محتاط بودن پادشاهان در قبال پاسخگویی در پیشگاه الهی در قالب عاقبت‌اندیشی اشاره داشته است. اما عملاً به صورت واضح به مبحث اظهار نظر اشاره نشده است.

در پژوهش حاضر شفافیت در امور مالی و عدم تبعیض در اجرای عدالت و مسئولیت‌پذیری به عنوان عوامل الگوی حکمرانی خواجه نظام الملک کشف شد. همچنین مشخص شد که خواجه نظام الملک در بعد اداری، شاخص‌های شایسته‌سالاری، شایسته‌سازی و همچنین اتخاذ سیاست‌های مناسب در این راستا را مورد توجه قرار داده است؛ بدین صورت که تشکیل دولت و حکومت شایسته، معیار قرار دادن دین و علم در اداره امور، مشورت با علما و افراد با تجربه را معیار برقراری نظام شایسته معرفی کرده است و ادعا کرده است؛ زمانی چنین نظامی پایدار می‌باشد که سیستم تنبیه و تشویق و اصل تکریم در حکومت برقرار باشد.

در بعد نظامی، خواجه نظام الملک معتقد است که پادشاه و زبردستانش باید روحیه جنگجویی داشته باشند؛ حتی به منظور تقویت قوای نظامی و جلوگیری از کودتای احتمالی، آرایش و ترکیب نظامیان باید از تنوع برخوردار باشد. بعد اجتماعی حکمرانی خوب خواجه نظام الملک نیز نشان می‌دهد که حکومت خوب، ظاهراً حکومتی مردم‌دار می‌باشد که رضایت مردم ملاک ثبات اجتماعی آن می‌باشد. البته، همانطور که الگوی خواجه نظام الملک نشان

می‌دهد؛ چنین حکومتی به دنبال سرکوب اقشار و قومیت‌های مختلف نیز می‌باشد. بنابراین باید اشاره کرد که در کنار جنبه مثبت ویژگی‌های الگوی خواجه نظام‌الملک، ویژگی‌های منفی نیز در الگوی حکمرانی مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال، مبحث چند فرقه‌ای بودن و حقوق زنان که البته در بسیاری موارد برتری ترک و خراسانی به لحاظ مذهب حنفی و شافعی و تأکید بر عدم سپردن امور به دیگر فرقه‌ها در قالب تفکیک قومیتی و مذهبی و تبعیض جنسیتی و نادیده گرفتن زنان و عدم توجه به جوان‌گرایی در انجام امور حکومتی در بعد کلان اجتماعی اشاره شده است که به گونه‌ای می‌توان گفت در زمان حال، چنین اقداماتی نهی می‌شوند و نمی‌توان با نگاه امروزی، این عوامل را جزء الگوی حکمرانی خوب مطرح کرد. البته بسته به دوران و شرایط، در آن دوره، زنان به دلیل سطح سواد پایین و عدم تجربه صلاحیت دخالت در امور مملکت‌داری را نداشتند. همانطور که در آن دوره، از جوان‌گرایی نیز اجتناب می‌شد. کلاً، این مباحث در آثار خواجه نظام‌الملک با شاخص مشارکت منافات دارد؛ چرا که مشارکت یعنی اینکه تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهار نظر داشته باشند که این امر از طریق نهادهای واسطه منتخب آنان و یا به صورت مستقیم تحقق می‌یابد. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مدنظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد. اما فرهنگ سیاسی ایران در آن دوره به دلایل گوناگون و پیچیده، فرهنگ تابعیت در برابر فرهنگ مشارکت بوده است. در فرهنگ سیاسی تابعیت، رفتار سیاسی افراد آمیزه‌ای است از فرصت‌طلبی، انفعال، کناره‌گیری، اعتراض سرپوشیده و ترس. به اعتقاد جامعه‌شناسانی که از دیدگاه ساختی-کارکردی، تاریخ اجتماعی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ جامعه ایران بنا به دلایل خاص جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی خود، دارای ساختاری است که کارکردهای آن را می‌توان در عدم شکل‌گیری طبقات اجتماعی، وابستگی گروه‌های اجتماعی به دولت و عدم تثبیت منافع طبقاتی خلاصه نمود. از این دیدگاه عدم مشارکت کارکرد عمده سیاسی چنین ساختاری است. به تعبیر دیگر، در جامعه‌ی ایران، نه تنها مشارکت مدنی از سوی یک فلسفه سیاسی حمایت نمی‌شود؛ بلکه به دلیل عدم احساس نیاز عمومی، فرهنگ مشارکت نهادینه نشده است (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵). از دیگر جنبه‌های به ظاهر منفی الگوی حکمرانی خواجه نظام‌الملک،

بحث تجمل‌گرایی است که تجهیز و تجمل در پوشش، سلاح و آلت جنگ جنگجویان معروف و تدارک امور عسرت، تماشا، مجلس انس، شراب و شکار، گوی زدن، خورد و برد و مانند این از جمله مواردی بود که نشان از تجمل‌گرایی حاکمیت بوده است. حتی باور حکومت بر این بود که سفیران همیشه با بهترین لباس‌ها، اسب‌ها و تجملات روانه سفر گردند. البته موارد مذکور را می‌توان به صورت مثبت هم مورد توجه قرار داد؛ بدین صورت که شاید منظور خواجه نظام‌الملک از بیان آنها، بحث تشریفات نظام اداری بوده است و واقعاً در آن دوره، تجملات به صورت منفی در حاکمیت وجود نداشته است؛ چه بسا در حال حاضر نیز تقریباً در نظام حکومتی تمامی ممالک، مسئله‌ی تشریفات اداری مطرح می‌باشد و آداب و رسوم خاص خود را دارد. در ادامه باید اشاره کرد نتایج مطالعه زاهدی (۱۳۹۲) که مؤلفه‌های مدل حکمرانی کوروش دوم؛ ۱. توسعه انسانی، ۲. تحکیم و تقویت نهادهای اجتماعی، ۳. حاکمیت قانون؛ ۴. داوری و دادرسی؛ ۵. استقلال داخلی؛ ۶. مدیریت استراتژیک و ۷. سیاست ادغام و همانندسازی و مؤلفه‌های مدل حکمرانی داریوش اول؛ ۱. اثربخشی؛ ۲. کارایی؛ ۳. نظام کنترل و دادرسی؛ ۴. ثبات سیاسی امور داخلی، امور بین‌الملل، نظام مالیاتی؛ ۵. آبادانی و سازندگی؛ ۶. اقتصاد تجارت و بازرگانی؛ ۷. قوانین محلی، قوانین ملی، نظام حقوقی و دادرسی و ۸. توسعه‌ی انسان را ملاک قرار داده است، تقریباً با نتایج پژوهش حاضر برابری می‌کند؛ تا جایی که آنقدر برخی مفاهیم اولیه الگوی مورد بررسی در پژوهش حاضر با مفاهیم الگوی اشاره شده در مطالعه‌ی مورد مذکور هم‌راستا بود که این مطالعه در طبقه‌بندی ابعاد کلان حکمرانی خواجه نظام‌الملک مورد توجه قرار گرفت.

حکمرانی خوب امروزی و حکمرانی مدنظر خواجه نظام‌الملک از نظر بنیادی به واسطه جغرافیا زیستی و فرهنگ حکمرانی و اجتماعی دارای تفاوت‌های عمیق می‌باشند. چنانکه حکمرانی خوب سیر تحولی طولانی داشته و آراء خواجه نظام‌الملک در خصوص نحوه اداره کشور مربوط به حدود هزار سال پیش می‌باشد و نمی‌توانسته آن تجربه و تحول را در آن زمان طی کند و این شکاف عمیق و تفاوت‌های ذاتی میان الگوی حکمرانی خوب خواجه نظام‌الملک با سایر الگوها را نمایان می‌کند. در نگاه اول، شباهت‌های بسیاری بین الگوی خواجه نظام‌الملک با سایر الگوها مشاهده می‌شود، اما پس از بررسی جوانب مختلف و قیاس آنها مشخص شد که شباهت‌ها در سطح و شکل مفاهیم است و مفاهیم تفاوت‌های ذاتی دارند. مفاهیم و فرم توأمان

می‌توانند، تغییر کنند و استحاله شوند. همچنین باید اشاره کرد؛ هر چند در خصوص فرهنگ سیاسی ایرانیان، مطالعات زیادی انجام گرفته است اما درباره حکمرانی خوب عمده پژوهش‌ها به دهه‌ی اخیر باز می‌گردد و تعداد پژوهش‌هایی که حکمرانی خوب را در باور پیشینیان مورد بررسی قرار داده‌اند، بسیار اندک است؛ لذا پژوهش حاضر، در ارائه‌ی ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه خواجه نظام‌الملک و مقایسه آن با مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه امروزی، پژوهشی نوآورانه محسوب می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اکبری، زهرا؛ حکاک، محمد؛ وحدتی، حجت؛ نظرپوری، هوشنگ (۱۳۹۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب در سازمان‌های چندسطحی بر اساس مدل سه شاخگی»، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۴۰، صص ۲۰۱-۱۷۵.
۲. الوانی، سید مهدی؛ کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ (۱۳۹۹). «مدیریت توسعه»، تهران: انتشارات صفار.
۳. امامی، محمد و شاکری، حمید (۱۳۹۴). «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۵۷-۲۵.
۴. ایزدی جیران، اصغر و یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب در آیین» کتاب دده قورقود» (بازخوانی یک متن کهن ادبی)، علوم اجتماعی، شماره ۲(۱۷)، صص ۲۱-۴۹.
۵. آهنی، منا؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ نجف‌بیگی، رضا و افشار کاظمی، محمدعلی (۱۳۹۸). «تحلیل خوشه‌ای جایگاه ایران در جهان و روندهای آتی مبتنی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب»، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، شماره ۱۱۶، صص ۹۹-۱۱۸.
۶. پاداش زیوه، حمید و خداپناه، بهمن (۱۳۹۴). «برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای مختلف»، برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۲۰، صص ۱۸۷-۱۶۵.
۷. حاج بابایی، محمدرضا و شهیندی، محمود (۱۳۹۱). «ابعاد فساد از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی»، فصلنامه سیاست، شماره ۴۲(۲)، صص ۷۵-۵۹.
۸. حسینی، سیدعلی؛ قلی‌پور، یاسر و باقری ثانی، محدثه (۱۳۹۴). «تحلیل رابطه مدیریت شهری و حکمرانی خوب شهری و ارتباط آن با توسعه پایدار شهری»، کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایدار با رویکرد انسان و محیط، اردبیل.
۹. حشمت‌زاده، محمداقبر؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد و طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۸(۲۳)، صص ۱-۲۴.
۱۰. دارا، جلیل و لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۹۷). «الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی و سید قطب؛ بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها»، دو فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت

- اسلامی ایرانی، شماره ۱۲، صص ۳۰-۹.
۱۱. روزبهبانی، محمدرضا (۱۳۹۷). «عوامل بقاء و اضمحلال حکومت از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هزاره خواجه نظام‌الملک طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۲. زاهدی، پریش (۱۳۹۲). «تبیین مدل مدیریتی کوروش دوم و داریوش اول هخامنشی با رویکرد تطبیقی بر حکمرانی خوب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور فارس، استاد راهنما: سید محمدحسین کمانی.
۱۳. زنگنه، پیمان؛ حمیدی، سمیه و فیضی، سودابه (۱۳۹۷). «تأثیر گزاره‌های ثبات‌آفرین در اندرزهای خواجه نظام‌الملک بر ثبات سیاسی سلسله سلجوقی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هزاره خواجه نظام‌الملک طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. سردارنیا، خلیل‌الله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا»، مطالعات حقوقی، شماره ۶(۴)، صص ۵۳-۲۷.
۱۵. شمس‌الدینی، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی آیین کشورداری در آثار ابن مقفع و خواجه نظام‌الملک طوسی (با تکیه بر کلیله و دمنه، رساله الصحابه الادب الصغیر و الادب الکبیر، سیاست‌نامه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، استاد راهنما: علی اکبر ملایی.
۱۶. صحرای، علی‌رضا و محمودی‌نیا، امین (۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۸، صص ۲۲۸-۲۰۷.
۱۷. طوسی، ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق (۱۳۴۷)، «سیرالملوک (سیاست‌نامه)»، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. عباسی، فاطمه؛ محمودی، جعفر و آقاجان‌تبار، مجتبی (۱۳۹۷). «پژوهش در حکمرانی الکترونیک»، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، شماره ۱۱۶، صص ۱۵-۳۰.
۱۹. عنبری، موسی (۱۳۹۴)، «توسعه» به مثابه هویت گره‌الگوی پیشرفت در ایران موسی عنبری، دو فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵(۵) (پیاپی)، صص ۳۶-۹.

۲۰. عیوضی، محمدرحیم؛ مرزبان، نازنین و صالحی، معصومه، (۱۳۹۶)، «از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶(۴)، صص ۵۵-۸۵.
۲۱. غنی کله‌لو، ژاله (۱۳۹۷)، «بررسی آیین ملک‌داری در سیاست‌نامه از منظر حقوق عمومی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، استاد راهنما: علی مشهدی.
۲۲. فدایی، مهدی؛ قلی‌پور مقدم، فرید و غفاری، سعید (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۳۲، صص ۸۶-۶۵.
۲۳. قاسمی، محمد؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کشته‌گر، عبدالعلی و حسینی، سید عبدالرسول (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی با توجه به نقش میانجی نشاط اجتماعی»، مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۶(۴)، صص ۶۰۱-۵۷۳.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، «مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی در ایران»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. مرادی، ابراهیم؛ رهنما، علی و حیدریان، سمیرا (۱۳۹۶)، «تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد (مطالعه موردی: کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)»، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۸۲.
۲۶. ملکی، مجتبی (۱۳۹۸)، «حکمرانی خوب در اندیشه اندیشمندان عصر سلجوقی»، نشریه تاریخ‌روایی، شماره ۱۲، صص ۱۰۳-۸۷.
۲۷. منتظری، محمد؛ بهمنی، اکبر و فتحی‌زاده؛ علی‌رضا (۱۳۹۷)، «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دو فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۱۱(۱۱) پایانی، صص ۱۵۴-۱۳۳.
۲۸. مؤید، مریم‌السادات (۱۳۹۳)، «حکمرانی خوب در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، استاد راهنما: علی مرشدی‌زاد.
29. Aktan, C. C., & Ozler, H. (2008). Good governance: A new public managerialism. *Rev. Int'l L. & Pol*, 4, 165-187.
30. Asian Development Bank. (1995). *Governance: Sound Development Management*. Asian Development Bank.
31. Australian National Audit Office. (2003). *Public sector governance*:

- strengthening performance through good governance. ACT: Australian National Audit Office.
32. Crowther, D., & Seifi, S. (2017). Modern Organisational Governance: Re-Examining Governance: The Evidence. *Developments in Corporate Governance and Responsibility*, 12, 3-15.
33. Gowda, N. A., & Kumar, T. P. (2013). A Study on Good Governance: An overview. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 3(11), 82-92.
34. Gross, M., & Żróbek, R. (2015). Good governance in some public real estate management systems. *Land Use Policy*, 49, 352-364.
35. Kioe, S. Y. (2012). What is Good Governance? *United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific*, 8, 15.
36. Moonti, R. M. (2019). Regional Autonomy in Realizing Good Governance. *Substantive Justice International Journal of Law*, 2(1), 43-53.
37. The World Bank Group. (2017). World Bank: The Worldwide Governance Indicators (WGI) Project, 1996-2016. <http://info.worldbank.org>
38. United Nations Development Programme. (2010). Characteristics of Good Governance. [www.imf.org/euternalipub/ft/exvpgoven /govindex.html](http://www.imf.org/euternalipub/ft/exvpgoven/govindex.html)
39. World Bank. (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth, Available online at: http://www.wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/1999/12/02/000178830_98101901364149/Rendered/PDF/multi0page.pdf